

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سالشمار تاریخ ایلخانیان
۴۵	پیشگفتار
۵۳	ایلخانیان در یک نگاه
۶۷	دودمان ایلخانیان
۶۹	تاریخ سیاسی حکومت ایلخانیان ایران
۱۹۳	روابط ایلخانیان با اروپا در دوران قنرت تا قدرت یابی تیمور
۱۹۵	اوضاع اجتماعی ایران در عهد ایلخانان
۱۹۹	هنر در ایران در عصر ایلخانیان
۲۵۱	معماری در ایران در دوره ایلخانیان تا صفویه
۲۵۵	تاریخ فرهنگی ایرانیان در دوره ایلخانیان
۲۵۷	سرشت شعر پارسی در عهد ایلخانیان
۲۵۹	سرگذشت شاعران پارسی سرا
۲۸۷	یادداشت ها
۳۷۵	واژه شناسی
۳۷۷	منابع و مأخذ
۳۰۰	منبع شناسی ایلخانیان
۴۱۹	نویسنده کتاب

## پیشگفتار

پس از شکست خفت بار سلطان محمد خوارزمشاه و کشته شدن فرزندش جلال الدین مینکیرنی در سال ۶۲۸ در کردستان بدست قاتلی یا قاتلانی که نامش / نامشان نیز بر ما هنوز پوشیده است، و گویا بطمع لباس و متعلقاتش او را که برای جمع کردن نیرو و سپاه برای مقابله با سپاه جرار مغول بدان دیار پناه برده بود کشت و یا کشتند<sup>۱</sup>، از آنجا که کار ایران از نظر چنگیز تمام شده تلقی شده بود، خود چنگیز به قراء قوروم در مغولستان بازگشت و اداره امور ایران را به حال خود گذاشت تا آنکه فرزندش هلاکو را در سال ۶۵۱ برای نظم دادن به امور ایران و برچیدن قلاع اسماعیلیه و یکسره کردن کار خلیفه بغداد به ایران فرستاد و هلاکو و شانزده بازمانده او تا سال ۷۵۶ در ایران سمت ایلخانی داشتند که مراد از آن حکومت کردن به نمایندگی از خان مغول در خان بالغ، تختگاه جدید مغولان در چین بود که بعد ها پکن نام گرفت، است.

این ۱۷ ایلخان که هر یک بطور متوسط ۶ سال در ایران ایلخانی داشتند در تاریخ ما به ایلخانیان معروف و بدین نام باز شناخته می شوند. هر چند که از زمانی که غازان خان مذهب اسلام شیعه را پذیرفت رابطه و پیوند مستمر و نهادینه شده ایلخانی تبریز با خان بالغ قطع گردید و گاهگاهی از سوی برخی از ایلخانان نامه و سفیری به مناسبتهایی به مقر خان بزرگ وقت می رفت و هدایایی تقدیم و اظهار ارادتی دیپلماتیک می شد.

در خود ایران نیز باید گفت که سیطره نفوذ و قوت ایلخانیان بیشتر در شمال غربی ایران که در آن زمان از زنجان شروع و تا گرجستان ادامه می یافت نمود داشت و در نقاط مرکزی و جنوبی ایران ایلخانیان نفوذ چندانی نداشتند؛ در فارس اتابکان سلغری و یا مظفری حکومت داشتند و این حکومت نسبتاً مستقل از تبریز تا زمان حمله تیمور ادامه داشت. در بخشهای جنوب غربی نیز که تا نجف امتداد می یافت جلایریان دارای نفوذ بودند؛ کرمان و بخش جنوب شرقی نیز در تیول اتابکان فارس بود. در گیلان نیز تا سال ۷۰۶ که این بخش از سرزمین اصلی ایران توسط اولجایتو فتح شد، در اساس حاکمان محلی

<sup>۱</sup> - واقعه ای که در هنگام جنگ جهانی اول و خارج شدن وطن پرستانی از تهران و رفتن گروهی از آنان از جمله باقرخان سالار ملی به کردستان تجدید مطلع شد زیرا این بار نیز کردانی که یکی از آنان نامش بر ما آشکار است (محمد امین کرد طالبانی)، کشته شد.

حکم می‌راندند و از آن پس نیز نوعی خود مختاری در قبال پرداخت مالیات به ایلخانان در این ولایت حاکم بود.

گذشته از اینها، در بیشتر این مدت ایلخانان در واقع در بین خود به جنگ و جدال داخلی مشغول یا با جنگ با داعیان ایلخانی مشغول بودند و غیر از محمود غازان که نظم و نسقی در حد متعالی در ایران از نقطه نظر اداره امور و ترتیب وضع و جمع آوری مالیات و امور پست و چاپار و کنترل ضربخانه و استاندارد کردن وزن و نوع محصولات و تحت انتظام در آوردن معاملات ملک و تعیین وظیفه قضات و وضع قواعد و قوانین مدنی در مورد ازدواج و ارث و وضع مواجب سپاهیان از طریق اعطای اقطاعات و دیگر اصلاحات مدنی و اجتماعی و سیاسی شاخص است و یا توجهی که اخلاف او مانند الجایتو و سلطان ابوسعید به آزادی نسبی مذاهب و توجه به هنر و ادب در ایران نشان دادند، بقیه ایلخانیان اولاً مدت زمامداری شان بسیار کوتاه - در مواردی کمتر از یک ماه - بود و در ثانی بیشتر در گیر مسائلی قومی و قبیله‌ای خود بودند.

با این وجود بایستی اذعان کرد که همین دوره کوتاه و همین توجه اندک تعداد معدودی از ایلخانان به امور کلی ایران موجب شده که این سده از تاریخ ایران رنگ و لعاب خاص خود را داشته باشد و از دیگر دوره‌های تاریخ ایران متمایز باشد. بطوری که می‌توان گفت در این دوره نوع خاصی از معماری در ایران، البته مشخصاً در دو یا سه چهار شهر مانند تبریز، اصفهان، مراغه و زنجان رواج یافت که می‌توان گفت تا حد زیادی منحصر بفرد است و یا در زمینه هنر نقاشی و خوشنویسی و تذهیب و تجلید کتابها باز این دوره مکتب هنری خاص خود را داشته که از مکاتب هنری دیگر ایرانی در دوره‌های دیگر کاملاً متمایز و متفاوت است. آثار معماری و هنری غنی از نقطه نظر شکل و محتوی بگونه‌ای از دیگر دوره‌ها برجسته‌تر است که از نظر برخی از ایران شناسان صاحب نام مانند پروفیسور پوپ پس از هنر ساسانیان رتبه دوم را می‌تواند کسب کند و این درحالی است که متأسفانه هم از جهت صدمات جبران ناپذیری که وقوع زلزله‌های متعدد در خطه تبریز و مراغه و زنجان و هم از لحاظ عدم توجه عامه نسبت به ارزش این آثار و هم به سبب ویرانگریهای جنون آمیز امیر تیمور که بواقع با هرچه که رنگی از تمدن و انسانیت داشته بیگانه بوده و هم بخاطر جهالت و ندانم کاریهایی که متأسفانه در همین سالهای اخیر نیز در مورد عدم مراقبت لازم در حفظ این گونه آثار اعمال می‌شود، آثاری که از این دوره باقی مانده است معدود است.

برغم این کاستیها، غنای آثار بجامانده از این دوره باندازه ای است که به کارشناسان اجازه می دهد تا باصطلاح از مشت به خروار پی ببرند و داوری و قضاوت صحیحی نسبت به آنچه که در هفت صده پیش در ایران حاکم بوده ارائه دهند که ما آن را در بخش خاصی در این کتاب بازگفته ایم. ضمن این که این غنای ادبی و هنری بیش از هر چیز مدیون وزرای بزرگ و نامبرداری است که در مقاطعی از این دوران پر التهاب فرصت عرضه خدمت صادقانه به فرهنگ و ادب ایران را یافته بودند و در رأس آنها خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی است که کتاب تاریخ او در مورد مغولان از جمله کتابهای ارزشمند مرجع برای آشنایی با تاریخ این دوره از حوادثی است که بر ایران گذشته است.

خصوصیت عمده دیگر این دوره از تاریخ ایران، مفتوح شدن باب مذاکرات سیاسی با دولتهای اروپایی نظیر انگلیس و اسپانیا است. فرستادن سفرایی از اسوی ایلخانان به دربار شاهان اروپایی در بحبوحه جنگهای صلیبی موجب آشنا شدن اروپاییان با این بخش از آسیا و سفر جهانگردان نامبرداری چون مارکوپولو و همراهانش به ایران شد و با انعکاس اخبار مربوط به ایران در اروپا راه برای گسترش روابط فیما بین در دوره صفویه باز شد.

ایلخانیان از لحاظ دیگری هم در ایران راهگشای صفویه بوده اند و آن انتخاب فرقه شیعه امامیه از میان فرق مختلف اسلامی بعنوان دین خویش است که البته آن را رواج داده و از مغولان خواستند تا به این دین بگردند.

البته در همین دوره نابسامانیها هم کم نبوده اند. در برهه هایی از زمان بخاطر تعصب دینی نو مسمانان ایلخانی دیگر گروههای مذهبی دچار تضيیقات و محدودیتهای نا بجا شدند که با روح تساهل مذهبی اولیه مغولان همخوانی نداشته است.

احمد شه وری

مبئی- ۱۶ مهر ۱۳۹۰